

### بازسازی کتاب الملاحم الکبیر و تحلیل روایات غیبی آن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۳

محمد علی موحّدی<sup>۱</sup>  
محمد حسین حشمت پور<sup>۲</sup>  
محمد کاظم رحمان ستایش<sup>۳</sup>

#### چکیده

اگرچه با فقدان تک‌نگاری‌های مهدوی متقدم، سابقه و اصالت پاره‌ای از آموزه‌های امامی چون غیبت، با انتقادهایی روبرو شد، اما بازسازی آن آثار، می‌تواند بخش‌هایی از میراث حدیثی عصر حضور را در دسترس قرار دهد. محمد بن جمهور (۱۵۴-۲۵۶ ق) از ملازمان امام هشتم با نگارش کتابی سترگ با عنوان الملاحم، سهم قابل‌اعتنایی را در ثبت و انتقال میراث حدیثی مهدویت و غیبت به نسل‌های بعدی داشته است. این اثر اگرچه همینک مفقود است، اما توسط دو تن از شاگردان او، به مدارس حدیثی قم و بغداد راه یافت. همین نکته فرضیه امکان‌بازسازی این اثر را در پی دارد. پژوهش در آثار موجود مدرسه قم و بغداد در سده چهارم، ۴۲ حدیث از این اثر سترگ را در دسترس قرار می‌دهد. مطالعه این احادیث نشان می‌دهد که اندیشه غیبت و آموزه‌های فرعی مرتبط با آن با بسامد قابل ملاحظه‌ای در زمان حضور امامان مورد توجه بوده است. زیرا افزون بر ۵ حدیث صریح در باب غیبت و پاره‌ای از فرعیات آن، احادیث قابل‌اعتنای دیگری نیز در باب امامت گزارش شده که مجموع آنان تأکید دیگری بر غیبت صاحب الامر است. مهم‌ترین دستاورد متن حاضر افزون بر بازسازی یک اثر حدیثی مفقود، پاسخ‌گویی به شبهه فقدان مستندات آموزه غیبت در عصر حضور است.

**کلید واژه‌ها:** محمد بن جمهور العمی، کتاب الملاحم الکبیر، تک‌نگاری‌های مهدوی، غیبت، بازسازی آثار حدیثی.

۱. دانش‌آموخته دوره دکتری کلام اسلامی دانشگاه قم (نویسنده مسئول) (movahhedima@gmail.com).
۲. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم (mhhemails@yahoo.com).
۳. دانشیار، عضو هیئت علمی دانشگاه قم (Kr.setayesh@gmail.com).

## ۱. مقدمه

پژوهش در میراث مکتوب جهان اسلام گویای آن است که اندیشمندان نحل مختلف از همان سده‌های نخستین به گزارش‌گری شفاهی و کتبی گزاره‌های مهدوی همت داشته‌اند.<sup>۱</sup> اگر چه این گزارش‌گری‌ها، در سده نخست به نحو پراکنده روی داده، اما با رشد چشم‌گیر مسئله «مهدی» و «مهدویت» در سده دوم، پاره‌ای از محدثان فریقین، به تبویب و تدوین میراث حدیثی برجای مانده، و تألیف آثار اختصاصی در این موضوع رغبت یافتند.<sup>۲</sup> فراوانی چشم‌گیر تک‌نگاری‌های مهدوی در سده سوم، (قریب به سی نگاشته اختصاصی)<sup>۳</sup> در کنار گوناگونی مذهب مؤلفان و گستردگی مباحث ذیل آن، سبب شد تا حجم قابل‌اعتنایی از میراث حدیثی مهدویت به نگاشته‌های نسل‌های بعدی راه جوید؛ اما فقدان کنونی قریب به اتفاق آن آثار، اصالت و سابقه برخی از آموزه‌های کلامی مترتب با مهدویت را با معضلاتی روبه‌رو کرد و آموزه‌هایی مانند «غیبت» و مباحث فرعی آن چون «دارای دو غیبت بودن مهدی»، «تولد مخفیانه» و «کیفیت غیبت او»، در کنار مباحث کلان دیگری چون «حصر تعداد امامان به دوازده تن» و «واپسین خلیفه بودن مهدی موعود»، و نیز برخی از اوصاف جانشینان پیامبر چون «پیامی بودن ایشان» و «بقای آنان تا آستانه قیامت»، با انتقادهایی روبرو شد. برای نمونه ایتان کُلبرگ در مقاله «از امامیه تا اثنی عشریه» (نگاشته ۱۹۷۶م)، نخستین مستند برجای مانده از اعتقاد اسلاف امامیه به غیبت حضرت مهدی را، به نگاشته‌هایی مربوط به اواخر سده سوم مربوط دانست و از همین رو، آن را حاصل تحولات فکری و کلامی پس از شهادت امام عسکری قلمداد نمود.<sup>۴</sup> این امر در حالی است که چندین تک‌نگاری مهدوی نیز با عنوان الغیبة توسط عالمان امامی مذهب در عصر حضور تألیف یافته است؛ مانند الغیبة نگاشته عبّیس بن هشام التاشیری (م ۲۲۰ق).<sup>۵</sup> هر چند با کشف کتاب القرائات تألیف احمد بن محمد السیاری (نیمه سده سوم)

۱. رک: طبقات راویان احادیث مهدویت، ص ۳۳-۱۲۷.

۲. برای نمونه علی بن یقطین (م ۱۸۲ق)، کتابی با عنوان ما سئل عن الصادق فی الملاحم داشته است (فهرست الطوسی، ص ۲۷۱).

۳. مطالعه فهارس سه‌گانه نجاشی، شیخ طوسی، و ابن ندیم، نشان دهنده تألیف قریب به سی نگاشته مهدوی در سده سوم با عناوین الملاحم، الفتن، الغیبة، القائم، أخبار المهدی و نظایر آن است.

4. "From liiii yya to lthnā-'ahhariyya" p. 521.

۵. فهرست النجاشی، ص ۱۲۰.

و انتشار آن به سال ۲۰۰۹م (به تحقیق و تصحیح کلبیگ) روایاتی در باب تأویل آیات قرآن به غیبت، در دسترس قرار گرفت<sup>۱</sup> که صریحاً ناقض ادعای پیشین اوست. در نتیجه، دسترسی به آثار عصر حضور، به ویژه به تک‌نگاری‌های مهدوی اسلاف، طریق مناسبی جهت ارزیابی دعاوی مذکور است. اگر این دسترسی با کشفیات نسخ خطی حاصل نمی‌شود، راه بعدی، بازسازی این آثار است؛ زیرا بازسازی این نگاشته‌های مفقود، به عنوان یک روش مبتنی بر داده‌های تاریخی، افزون بر بازآفرینی حجم انبوهی از میراث حدیثی از دست رفته، اتقان علمی انگاره‌های مبتنی بر تحول پاره‌ای از معتقدات امامی را می‌سنجد.

متن حاضر با در نظر داشتن این هدف، به بازسازی یکی از مهم‌ترین تک‌نگاری‌های مهدوی عصر حضور با عنوان الملاحم الکبیر پرداخته است. این اثر - که توسط محمد بن جمهور العمی (۱۵۶ق - زنده به ۲۶۶ق) نگاشته شده - از طریق دو تن از مشهورترین شاگردان حدیثی او به نسل‌های بعدی راه یافته است. عدم وابستگی مذهبی مؤلف و مشایخ مباشر او به مکاتب کیسانی، جارودی، زیدی، ناووسی، سلیمانی، و واقفی - که در سده‌های نخستین، باور به غیبت را رواج می‌دادند<sup>۲</sup> - از اصالت روایات غیبت آن حکایت دارد!

طریق بازسازی این اثر، مبتنی بر روش شناخته شده تحلیل فهرستی است که در دو کتاب بازسازی متون کهن حدیث شیعه و القواعد المنهجیه فی التنقیب عن المفقود من الکتب و الأجزاء الحدیثیه تفصیلاً معرفی شده است. در این روش، پس از اطمینان بر وجود یک تک‌نگاری مهدوی، بر اساس اطلاعات فهرستی و برخی از داده‌های رجالی، تاریخی و سندشناختی، بخش‌هایی از اثر مورد نظر در آثار موجود واپسین ردیابی، شناسایی و سپس بازسازی خواهد شد. متن حاضر، پس از گفتاری در باب شناخت مؤلف به بازسازی و تحلیل روایات اثر مذکور می‌پردازد.

## ۲. شناخت محمد بن جمهور

ابوعبدالله محمد بن جمهور العمی البصری (۱۵۶ق - زنده به ۲۶۶ق) - که از او با عنوان

۱. کتاب القرائات، ص ۱۶۳.

۲. المقالات والفرق، ج ۱، ص ۹۰-۹۱؛ الفصل، ج ۴، ص ۱۳۷؛ فرق الشیعه، ص ۵۷؛ مقالات الاسلامیین، ص ۶۸؛ الفرق بین الفرق، ص ۲۳.

«ابن جمهور» یاد می‌کنیم - از ملازمان و خادمان امام هشتم،<sup>۱</sup> و از محدثان مشهور بصره، و از متهمان به جریان غلو است. اگر چه برقی او را در شمار اصحاب امام کاظم علیه السلام داخل کرده،<sup>۲</sup> اما شاهی بر صحت این مطلب در دست نیست. وی افزون بر تألیف آثار فقهی و اخلاقی با عنوان نوادر الحج، ادب العلم و رساله المذهب (= الرسالة الذهبیه)، آثاری را نیز در حوزه مهدویت تألیف کرده است: الملاحم الکبیر، وقت خروج القائم و صاحب الزمان.<sup>۳</sup> هر چند که با توجه به انفراد شیخ در یادکرد دو کتاب اخیر، چندان نمی‌توان درباره تألیف این دو اثر، توسط او مطمئن بود؛ زیرا آن گونه که در ادامه خواهد آمد، داده‌های شیخ درباره او مضطرب است. هم‌اکنون اثر دیگر با عنوان الواحده نیز در فهرست آثار ابن جمهور یاد کرده که افزون بر تصریح نجاشی، امامیان پسین دارند این کتاب نیز آن را از نگاشته‌های فرزند او دانسته‌اند.<sup>۴</sup>

با استناد به آنچه که فرزند او در ابتدای الرسالة الذهبیه آورده، تولد ابن جمهور به سال ۱۵۶ق، رخ داده و در ۴۶ سالگی به همراه امام رضا علیه السلام به مرو نقل مکان نموده است.<sup>۵</sup> ملازمت وی با امام هشتم علیه السلام در این سفر، حکایت از آن دارد که در مناسک حجی که آن امام به سال ۲۰۰ق، به جا آورده‌اند،<sup>۶</sup> همراه ایشان بوده و احیاناً برخی از معارف و احکام حج را از نزدیک از آن امام آموخته است. تنها اثر فقهی او، نوادر الحج نیز احتمالاً از آموخته‌های این سفر آکنده بوده است. اگر چه وی تا مدت‌ها پس از شهادت امام رضا علیه السلام، یعنی تا ابتدای دوران سفارت محمد بن عثمان (۲۶۵-۳۰۵ق) زنده بوده، اما موفق به دیدار هیچ یک از معصومان علیهم السلام بعدی نشده است. از این رو، جز از امام هشتم، از سایر امامان، هیچ روایت مستقیمی ندارد! شاید همین امر سبب شده تا برخی محققان، وفات او را به سال ۲۱۰ق، توهم نمایند.<sup>۷</sup> این مطلب، بی‌گمان ناصحیح است؛ زیرا وی صریحاً پاره‌ای از وقایع پس از

۱. بنا بر گزارشی که با سند صحیح از فرزند او در دسترس است، وی ملازم و خادم امام هشتم علیه السلام بوده و از هنگام خروج مدینه به سوی خراسان تا زمان شهادت آن حضرت همراه ایشان بوده است (الرسالة الذهبیه، ص ۵).

۲. رجال البرقی، ص ۵۱.

۳. فهرست النجاشی، ص ۳۳۷؛ فهرست الطوسی، ص ۴۱۳.

۴. اعلام الوری، ص ۳۶۳؛ کتاب رجعت، ص ۲۰۱؛ الايقاظ، ص ۴۵.

۵. رک: الرسالة الذهبیه، ص ۵.

۶. اثبات الوصیه، ص ۲۱۰؛ الثاقب فی المناقب، ص ۲۰۰ و ۵۲۵؛ الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۳۷۲؛ كشف الغمة، ج ۲، ص ۳۶۵.

۷. ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۳۴۸؛ هدیة العارفين، ج ۲، ص ۱۰.

شهادتِ امامِ عسکری را روایت نموده<sup>۱</sup> و آن‌گونه که نجاشی در ترجمه فرزند او گزارش کرده، وی [در سال ۲۶۶ ق] در حالی که ۱۰ سال سن داشته، روایاتی را برای فرزندش حسن بن محمد گزارش کرده است!<sup>۲</sup> لذا محمد بن جمهور محدّثِ معمری است که دورانِ زندگانیِ امام هفتم تا امام دوازدهم را درک کرده؛ هر چند که تنها به مصاحبت امام هشتم توفیق یافته است. حسن بن محمد، پسر کوچک‌تر او نیز با عنایت به نقلِ حکایتی از رخ‌دادهای سال ۲۹۶ ق<sup>۳</sup> و روایت‌گریِ مستقیمِ وی از حسین بن روح<sup>۴</sup> (م ۳۲۶ ق) و نیز با توجه به روایت‌گریِ ابوطالب الأنباری (م ۳۵۶ ق) از او، مدّت قابلِ اعتنایی را در دوران غیبت کوتاه زیسته است.

برخلافِ پسر - که به تعبیر نجاشی «فی نفسه» ثقه است و جز نقل از ضعفا و اعتماد به مراسیل، عیب دیگری متوجه او نیست،<sup>۵</sup> و عالمان سده‌های بعدی از او به عنوان یکی از اعظام امامیه،<sup>۶</sup> و با وصفِ جلیل‌القدر<sup>۷</sup> یاد کرده‌اند - پدر به غلو و فساد در مذهب متهم است. از این رو، نجاشی در ترجمه پسر می‌نویسد:

او اوثق از پدرش، و اصلح از اوست.<sup>۸</sup>

تعبیر «اصلح» برای پسر، شاید به این جهت است که پدر، به سبب سروده‌ای منتسب به او درباره دیرقُتی در نزدیکی بغداد، به لهو و اباحه برخی از محرّمات متهم بوده است.<sup>۹</sup> نجاشی می‌نویسد:

درباره او چیزهایی گفته شده که خدا از بزرگی [گناه] آن آگاه‌تر است.<sup>۱۰</sup>

غضایری نیز او را غالی می‌شمرد و از سروده‌ای از او سخن می‌گویند که از مضامین

۱. الهدایة الکبری، ص ۳۶۷؛ تقریب المعارف، ص ۴۳۳.

۲. فهرست النجاشی، ص ۶۲.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۳۳.

۴. المزار، ص ۲۰۲؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹۳؛ المزار الکبیر، ص ۴۱.

۵. فهرست النجاشی، ص ۶۲.

۶. رک: الایقاظ، ص ۴۵.

۷. طبقات مفسزین شیعه، ص ۱۹۴.

۸. فهرست النجاشی، ص ۶۲.

۹. معجم البلدان، ج ۲، ص ۵۲۸.

۱۰. فهرست النجاشی، ص ۳۳۷.

اباحه‌گرایانه سرشار است؛<sup>۱</sup> هر چند که انتساب چنین سروده‌ای به او، به شدت محلّ تردید است.<sup>۲</sup>

۱. کتاب الضعفاء، ص ۹۲.

۲. ابن ندیم مدخل او را با عنوان محمد بن الحسين (= الحسن) بن جمهور می‌گشاید و صریحاً وی را از خواص اصحاب امام هشتم و نویسنده کتاب الواحده معرفی می‌کند. (فهرست ابن ندیم، ص ۳۱۲) شیخ نیز در فهرست، مدخلی را با عنوان محمد بن الحسن بن جمهور گشوده و الواحده را به وی نسبت داده است! افزون بر انتساب ناصحیح الواحده به او، باید به عنوان مداخل یاد شده نیز دقت نمود. از میان قریب به دویست روایت بر جای مانده از ابن جمهور العمّی صحابی امام هشتم، هرگز از وی با عنوان محمد بن الحسين یا محمد بن الحسن، یاد نشده است. هم چنین شیخ اگرچه در عنوان مدخل او را محمد بن الحسن بن جمهور معرفی کرده اما در ضمن ارائه طریق کتب او، وی را محمد بن جمهور خوانده است. نکته حائز اهمیت آن است که به طور کاملاً تصادفی عنوان یاد شده، نام نوهی ابن جمهور صحابی است! شاید گمان شود شیخ طوسی به هنگام تألیف الرجال با در نظر گرفتن دو عنوان، یکی «محمد بن جمهور» در زمره اصحاب امام رضا، و دیگری «محمد بن الحسن بن جمهور» در باب کسانی که از هیچ یک از امامان حدیثی ندارند، به خوبی میان نوه و پدر بزرگ فرق گذاشته است، اما حقیقت آن است که عنوان دوم نیز با آنکه در باب «من لم یرو عن واحد من الأئمة» آمده، باز هم متوجه همان محمد بن جمهور صحابی (۱۵۶ - زنده به ۲۶۶ ق) است، زیرا طریقی که شیخ برای روایات او آورده، جز با ابن جمهور صحابی نمی‌سازد. البته چنین اتفاقی در رجال شیخ چندان غریب نیست و صحابیانی قابل اعتنایی هم در باب یکی از معصومان و هم در باب «لم» طبقه‌بندی شده‌اند، (نگر: آشنایی با منابع رجالی شیعه، صص ۹۰ و ۹۱) اما با این همه و با عنایت به رساله ذهبیه از امام هشتم، به نظر می‌رسد آن چنان که دیگر محققان نیز تذکر داده‌اند، داده‌های رجالی شیخ درباره محمد بن جمهور خالی از سهو و تشویش نیست. (نگر: افتدی، ریاض العلماء، ج ۱، ص ۳۱۶) شاید چنین تشویشی ابتدائاً چندان حائز اهمیت نباشد، اما احتمالاً عنوان‌دهی اتفاقی به محمد بن جمهور به نام نوهی او، معضلاتی را پدید آورده است. چرا که ابن غضائری در مدخل «محمد بن الحسن بن جمهور أبو عبد الله العمّی» با تعبیر «رأیت له شعراً یحلل فیہ حرّ مات الله»، سروده‌ای سرشار از اباحه‌گری را به صاحب مدخل نسبت داده است. (کتاب الضعفاء، ص ۹۲) به طور قطعی معلوم نیست که ابن غضائری واقعاً صاحب مدخل را می‌شناخته یا خیر. زیرا هیچ اطلاعاتی از مشایخ، شاگردان و کتب او ارائه نداده است. هم چنین معلوم نیست که وی در این مدخل، ابن جمهور صحابی (یعنی پدر بزرگ) را قصد کرده یا ابن جمهور اباحی (یعنی نوه او) را. افزون بر این معلوم نیست که آیا ابن غضائری به تعدّد این دو محمد که به «ابن جمهور العمّی» مشهورند، آگاه بوده یا خیر. تنها وجه تمایز در کلام ابن غضائری، کنیه‌ای است که برای صاحب مدخل به کار برده است: أبو عبد الله. با این کنیه به نظر می‌رسد که او نیز ابن جمهور صحابی را قصد کرده و البته در عنوان‌دهی مرتکب همان سهو پیشینی توسط ابن ندیم شده است. پس از او نجاشی در اقدامی شگفت، با آنکه از عنوان دقیق محمد بن جمهور برای او بهره گرفته، و وی را از روایت امام هشتم دانسته است، اما رسماً و صریحاً اباحه‌گری را به او نسبت داده است. (فهرست النجاشی، ص ۳۳۷) حال آنکه داده‌های تاریخی و ادبی به نیکویی نشان می‌دهد که سروده‌ی مذکور و احوالات اباحه‌گرایانه، به نوه انتساب دارد نه به پدر بزرگ! برای نمونه، شاپستی (م ۳۸۸ ق)، ضمن ارائه‌ی سروده‌ی مذکور ذیل باب دیر قتی (نزدیک بغداد) صریحاً آن را به أبو علی محمد بن الحسين (= الحسن) بن جمهور العمّی نواده‌ی ابن جمهور صحابی نسبت داده و تأکید کرده که پدر او از روایان اهل بیت، و حامل کتابی از ایشان بوده است! (نگر: الدیارات، صص ۳۰۰ - ۳۰۳) ابو علی تنوخی (م ۳۸۴ ق) ادیب سرشناس نیمه دوم سده چهارم که خود شاگرد ابو علی محمد بن الحسن بن جمهور در شعر و ادب و کتابت و خط بوده، چنین سروده‌هایی را به وی نسبت داده (نشوار المحاضرة و اخبار المذاكرة، ج ۴، ص ۱۰۹) و او را با اوصافی چون کاتب، شاعر، ادیب، ←

شیخ نیز صریحاً او را «غال» می خواند<sup>۱</sup> و تصریح می کند که روایات او را پس از تصفیه از مضامینِ غالبانه در اختیار داشته است.<sup>۲</sup> لذا رجالیان امامی با رویکردی واحد از فسادِ مذهب او سخن رانده اند؛ هر چند که همینک روایات گزارش شده از او، به دلیلِ فیلتر شدنِ مضامینِ غالبانه،<sup>۳</sup> خالی از معانیِ یاد شده است. با این حال، جز نجاشی که او را «ضعیف فی الحدیث»<sup>۴</sup> خوانده، هیچ یک از رجالیان متقدم او را به ضعف (به نحو مطلق) متهم نکرده است. از این رو، برخی از محققان تعبیرِ نجاشی در شرح حالِ پسر، مبنی بر «کان أوثق من أیبه»، را به معنایِ تحقق مرتبه ای از مراتب وثاقت در پدر استظهار کرده اند که با توجه نمونه های نقضی دیگر، چندان مورد اعتنا نیست.<sup>۵</sup>

### ۳. بازسازی الملاحم الکبیر

اگر چه نجاشی و شیخ در بیانِ طریق دسترسی به کتب ابن جمهور، از [ابوعلی] احمد بن الحسین بن سعید الأهوازی<sup>۶</sup> نام برده اند<sup>۷</sup> و صدوق در الفقیه به واسطه شخصی نامعلوم به نام ابویحیی الأهوازی (شاید همان احمد بن الحسین) هر دو روایت منقول از محمد بن جمهور را

→ جید الخط، حسن التّرسل، و کثیر المصنّفات لکتب الادب خوانده است. (الفرج بعد الشدة، ج ۴، ص ۳۳۷) اوصافی که هرگز درباره ابن جمهور پدر بزرگ به کار نرفته است! یاقوت حموی (م ۶۲۶ق) هم تصریح دارد که شاعر این شعر، ابو علی محمد بن الحسن بن جمهور است. (حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۵۲۸) ابوسعید آبی (م ۴۲۱ق) نیز نامه های زادمهر جاریه ابو علی را که سرشار از اتهامات مستهجن و اباحی گری است، به تفصیل گزارش کرده است. (آبی، نثر الدر فی المحاضرات، ج ۴، صص ۱۹۴-۱۹۸؛ نمونه های بیشتر: حکایة ابی القاسم البغدادی، صص ۷۰-۷۵) در این حکایات صریحاً از کنیه ابوعلی برای ابن جمهور سخن به میان آمده است. (نگر: حکایة ابی القاسم البغدادی، صص ۷۱ و ۷۲) زادمهر نیز در متن نامه ها، ابن جمهور را با لفظ «یا ابا علی» (= کنیه نوه) خطاب کرده است. (نگر: آبی، همان، ص ۱۹۶) در نتیجه شکی نیست که اتهام اباحه و شاعری و حلال شمردن حرمت الله، به ابوعلی محمد یعنی ابن جمهور نوه اختصاص دارد نه به پدر بزرگ! ظاهراً تشابه در اسم «محمد» و شهرت «ابن جمهور» و وصف مشترک «العتمی» میان پدر بزرگ و نوه، (و احیاناً عدم شناخت دقیق هر دو ابن جمهور) سبب شده تا ابن غضائری و احتمالاً به تبع او نجاشی اباحه گری را به ابو عبد الله محمد بن جمهور صحابی نسبت دهند.

۱. رجال الطوسی، ص ۳۶۴.

۲. فهرست الطوسی، ص ۴۱۳.

۳. رک: همانجا.

۴. فهرست النجاشی، ص ۳۳۷.

۵. طبقات اعلام الشیعة، ج ۱، ص ۹۸.

۶. فهرست النجاشی، ص ۳۳۷؛ فهرست الطوسی، ص ۴۱۳.

۷. فهرست النجاشی، ص ۳۳۷؛ فهرست الطوسی، ص ۴۱۳.

گزارش کرده است،<sup>۱</sup> اما جستجو در هیجده اثر حدیثی متقدم تا پایان سده چهارم<sup>۲</sup> نشان می‌دهد که مُعلی بن محمد البصری و حسن بن محمد بن جمهور، فرزندان او، بیشترین سهم را در انتقال احادیث او به نسل‌های بعدی بر عهده داشته‌اند. از ۱۴۳ حدیث ابن جمهور در هیجده اثر زیاد شده، ۵۷ حدیث آن، (یعنی ۴۰٪)، از معلی بن محمد البصری گزارش شده است. پسر نیز در آثار یاد شده، سهمی بیش از ۲۷٪ دارد؛ یعنی ۳۹ حدیث از ۱۴۳ حدیث.

در فهرست آثار هر دو شاگرد حدیثی یاد شده، وجود نگاهشته‌هایی مرتبط با امامت و مهدویت جلب توجه می‌کند. مُعلی بن محمد البصری کتابی با عنوان سیره القائم داشته<sup>۳</sup> و حسن بن محمد بن جمهور کتاب الواحده را نگاهشته است.<sup>۴</sup> گزارش‌های مستقیم عالمان سده‌های بعدی از الواحده<sup>۵</sup> در کنار بازسازی محتوای آن نشان می‌دهد که این کتاب در باب فضایل و معجزات امامان معصوم علیهم‌السلام و مثالب دشمنان ایشان نگاهشته شده است. عنوان الواحده نیز به احتمال از آیه ۴۶ سوره سبأ و تأویل امام باقر علیه‌السلام ذیل آن اخذ شده است.<sup>۶</sup> حدیثی دیگر از امام صادق نیز ولایت را با وصف «الواحد» همراه کرده است.<sup>۷</sup> حدیث اخیر از طریق ابن جمهور در مصادر امامی راه یافته است.

افزون بر آنچه که تا کنون ارائه شد، به نظر می‌رسد مهم‌ترین نکته در بازسازی الملاحم الکبیر را باید در واپسین عبارت شیخ در شرح حال معلی بن محمد جستجو نمود؛ آنجا که شیخ می‌نویسد الملاحم ابن جمهور از معلی بن محمد روایت شده است<sup>۸</sup> این عبارت گویای آن است که بیش از هر راوی دیگری گزارش‌های معلی بن محمد در بازسازی اثر مذکور کارگر است.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۹۲.

۲. این آثار عبارت‌اند از: کتب چهارگانه، که کتاب از شیخ صدوق به نام‌های کمال الدین، التوحید، الامالی، علل الشرایع، الخصال، فضائل الاشهر الثلاثة، عیون اخبار الرضا، معانی الاخبار، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تفسیر القمی، المحاسن، بصائر الدرجات، الهدایة الکبری، الامامة و التبصرة، المسترشد، الغیبه، کفایة الاثر.

۳. فهرست الطوسی، ص ۴۶۰.

۴. فهرست النجاشی، ص ۶۲.

۵. فرج المهموم، ص ۹۶ و ۲؛ اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۳۶۳؛ مشارق انوار الیقین، ص ۶۵ و ۲۵۳؛ کتاب رجعت، ص ۲۰۱.

۶. الکافی، ج ۱، ص ۲۴۰.

۷. همان، ج ۲، ص ۲۲.

۸. فهرست الطوسی، ص ۴۶۰.



مطالعه الکافی نشان می‌دهد که کلینی (م ۳۲۸ یا ۳۲۹ق) از طریق ابوعبدالله حسین بن محمد بن عامر اشعری شیخ مباشر خود، به آثار معلی بن محمد دسترسی داشته است. این نکته زمانی اهمیت دارد که بدانیم حسین بن محمد بن عامر کسی است که بنا بر گزارش شیخ ونجاشی آثار معلی بن محمد را به نسل‌های بعدی منتقل کرده است.<sup>۱</sup> از ۶۳۲ سند حدیثی که از معلی بن محمد در الکافی موجود است، ۶۲۹ سند آن از حسین بن محمد بن عامر اخذ شده و سه سند دیگر به طور مبهم با قید «من حدّثه» ذکر گردیده است. این امر به وضوح نشان می‌دهد که کلینی به واسطه او آثار معلی بن محمد را در اختیار داشته و از آن نقل حدیث کرده است. از ۶۲۹ سند موجود از معلی بن محمد در الکافی، ۳۷ سند آن (مشمول بر ۳۲ حدیث) از محمد بن جمهور روایت شده که همگی در ترکیب «الحسین بن محمد بن عامر، عن معلی بن محمد، عن محمد بن جمهور، عن ... عن ...» مشترک هستند. تفاوت تمامی سلسله اسانید یاد شده پس از ابن جمهور، در کنار عبارت مذکور از شیخ مبنی بر گزارش الملاحم توسط معلی بن محمد، این اطمینان را حاصل می‌کند که وی این روایات را از الملاحم الکبیر اخذ نموده است. ۲۸ حدیث از ۳۲ حدیث یاد شده، در باب امامت و مهدویت است.

پیش از کلینی، صفار (م ۲۹۰ق) نیز نه حدیث از ابن جمهور نقل کرده که شش حدیث آن از طریق یاد شده، یعنی «الحسین بن محمد، عن معلی بن محمد، عن محمد بن جمهور، عن ... عن ...» گزارش شده است.<sup>۲</sup> چهار حدیث از شش حدیث مذکور عیناً در الکافی موجود است.<sup>۳</sup> این امر نشان می‌دهد که هم صفار (م ۲۹۰ق) و هم کلینی (م ۳۲۸ یا ۳۲۹ق) مستقل از یکدیگر، از طریق یکسان، به واسطه معلی بن محمد، به بخش‌هایی از الملاحم الکبیر دست یافته‌اند. ابن قولویه<sup>۴</sup> (م ۳۶۸ق) نیز از طریق یاد شده به نقل حدیث پرداخته‌اند. نعمانی (م ۳۶۰ق) به واسطه کلینی،<sup>۵</sup> شیخ مفید (م ۴۱۳ق) به واسطه ابن قولویه،<sup>۶</sup> و شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) به واسطه شیخ مفید از ابن قولویه<sup>۷</sup> از همین طریق به گزارش روایات محمد

۱. همانجا؛ فهرست النجاشی، ص ۴۱۸.

۲. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۱، ۴۷۷، ۴۸۹، ۴۹۴ و ۴۹۷.

۳. الغیبة، ص ۳۲۹.

۴. کامل الزیارات، ص ۱۷۴.

۵. الغیبة، ص ۳۲۹.

۶. الاختصاص، ص ۲؛ امالی المفید، ص ۲۹.

۷. امالی الطوسی، ص ۶۷.

بن جمهور، همت گماشته‌اند. در سده‌های بعد، عمادالدین طبری (م ۵۵۳ق) از طریق ابوعلی الطوسی، فرزند شیخ طوسی، بخش‌هایی از روایات عالمان بغدادی مذکور از محمد بن جمهور را گزارش کرده است.<sup>۱</sup> ابن بابویه اول (م ۳۲۹ق) نیز به واسطه سعد بن عبدالله (م ۲۹۹ یا ۳۰۱ق) به نقل دو حدیث مهدوی مهم از محمد بن جمهور همت گماشته است: یکی، از طریق معلی بن محمد و دیگری، از طریق احمد بن الحسین بن سعید [الاهوازی].<sup>۲</sup> صدوق نیز از طریق پدر و ابن الولید (م ۳۴۳ق) از سعد بن عبدالله از معلی بن محمد از محمد بن جمهور گزارش‌هایی در باب مهدویت دارد.<sup>۳</sup> در نتیجه یکی از راه‌های دسترسی به آثار ابن جمهور، توجه به روایات معلی بن محمد البصری مهم‌ترین شاگرد حدیثی اوست؛ به ویژه آن که می‌دانیم وی الملاحم الکبیر را گزارش کرده است.

در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم (ز. ۳۰۷ق) روایاتی از محمد بن جمهور در دسترس است که همگی متعلق به مجلد دوم این اثر، و روایت شده از طریق راویان هم طبقه یا راویان متأخر از علی بن ابراهیم است. لذا بنا بر پژوهش‌های پیشینی،<sup>۴</sup> این دست از گزارش‌ها، متعلق به علی بن حاتم القزوینی (زنده به ۳۵۰ق)، استاد ابن قولویه (م ۳۶۸ق) است. گزارش‌های ابن حاتم از ابن جمهور در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم، گاه از طریق یاد شده (یعنی الحسین بن محمد بن عامر از معلی بن محمد) صورت پذیرفته که اگرچه همگی در باب امامت و ولایت است، اما هیچ‌یک نسبت روشنی با مباحث مهدویت و ملاحم ندارد؛ و گاه از طرق دیگری است که اگرچه مرتبط با مهدویت و ملاحم است، اما به جهت تشتت اسانید آن تا محمد بن جمهور، نمی‌توان درباره وجود این روایات در نگاشته‌های او قضاوت کرد.<sup>۵</sup> لذا مطالعه تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم، ثمره قابل اعتنایی برای بازسازی الملاحم الکبیر ندارد.

افزون بر معلی بن محمد، از طریق پسر نیز آثار ابن جمهور به نسل‌های بعد منتقل شده است. برای نمونه و بنا بر گزارش ابن الندیم (م ۳۸۵ق)، محمد بن عیسی بن عبید در کتاب

۱. بشارة المصطفی، ص ۳.

۲. الامامة و التبصرة، ص ۱۰۹ و ۱۳۱.

۳. برای نمونه رک: کمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۲.

۴. بنا بر پژوهش‌های صورت‌یافته، نسخه در دسترس کتاب مشهور به تفسیر القمّی، نگاشته ابوالحسن علی بن حاتم القزوینی است. رک: «تفسیر القمّی بحث حول التسخة المتداولة»، ص ۷۵-۸۹؛ «در حاشیه دو مقاله»، ص ۵۰.

۵. تفسیر القمّی، ج ۲، ص ۳۷۹، ۲۶۸، ۲۵۶، ۲۰۶، ۱۵۴.

الأمل و الرجاء، - که همینک مفقود است - تمامی روایات ابن جمهور را، بی استثناء، از طریق پسر او حسن بن محمد بن جمهور گزارش کرده است.<sup>۱</sup> اما تا آنجا که به گزارش های مهدوی، و بازسازی الملاحم الکبیر مربوط می شود، نعمانی (م ۳۶۰ق) در الغیبه، به واسطه دو تن از مشایخ خود، ابوعلی محمد بن همام بن سهیل الاسکافی الکاتب (۲۵۸-۳۳۶ق) و محمد بن الحسن بن محمد بن جمهور، نوه ابن جمهور، به نحو توأمان، هفت حدیث از حسن بن محمد بن جمهور روایت کرده که پنج حدیث آن از محمد بن جمهور العمی اخذ شده است. تناسب محتوای هر پنج روایت مذکور با مباحث مهدویت و ملاحم، و تفاوت سلسله اسانید آن از بعد از محمد بن جمهور این اطمینان را حاصل می کند که این روایات، بخش هایی از الملاحم الکبیر بوده اند که فرزند او در آثار خود، به احتمال زیاد کتاب الواحده، آن را انعکاس داده و از طریق یاد شده در اختیار نعمانی قرار گرفته است. خصیبی<sup>۲</sup> (م ۳۳۴ یا ۳۴۶ یا ۳۵۸ق) به نحو مستقیم، و خزاز قمی<sup>۳</sup> (م ۴۰۰ق) نیز به واسطه چند تن از مشایخ مباشر خود، از ابوعلی الإسکافی (م ۳۳۶ق) از حسن بن محمد بن جمهور، از محمد بن جمهور گزارش هایی دارد که با مباحث مهدوی در ارتباط است. محمد بن وهبان الدبیلی، محدث مورد وثوق امامی سده چهارم نیز گزارش های متعددی از ابن جمهور دارد که پاره ای از این گزارش ها، از طریق محمد بن الحسن بن محمد بن جمهور (نوه ابن جمهور)، از پدرش الحسن بن محمد (فرزند ابن جمهور) صورت یافته است. اگرچه هیچ یک از آثار دبیلی همینک موجود نیست، اما سید بن طاووس (م ۶۶۴ق) به رغم فاصله سیصد ساله با وی، به برکت در اختیار داشتن برخی از مصنفات او، چندین روایت مهدوی را به طریق یاد شده از محمد بن جمهور گزارش کرده است.<sup>۴</sup>

راه دیگر دسترسی به روایات الملاحم الکبیر را باید در خلال گزارش های موجود از محمد بن العباس بن علی بن مروان بن الماهیار (زنده به ۳۲۸ق) معروف به ابن الجحّام فقیه، مفسر و محدث مورد وثوق امامی معاصر با کلینی جستجو نمود.<sup>۵</sup> اگرچه هیچ یک از آثار ابن ماهیار همینک موجود نیست، اما حجم قابل اعتنایی از آثار تفسیری او توسط عالمان نسل های

۱. فهرست ابن الندیم، ص ۳۱۲.

۲. الهدایة الکبری، ص ۳۷۵.

۳. کفایة الاثر، ص ۳۰۹ و ۸۱.

۴. فلاح السائل، ص ۱۷۰؛ اقبال الأعمال، ج ۱، ص ۲۰۰.

۵. فهرست النجاشی، ص ۳۷۹.

بعدی گزارش شده است.<sup>۱</sup> از گزارش‌های مستقیم و متعدد استرآبادی (م ۹۴۰ق) از ابن ماهیار چنین برمی‌آید که مهم‌ترین نگاشته‌های تفسیری وی تا اواخر سده دهم موجود بوده است. وی به واسطه حسن بن محمد بن جمهور، روایاتی از محمد بن جمهور دارد که همگی در باب تأویل آیات قرآن و مربوط به مباحث مهدوی و ملاحم است. از این رو، گزارش‌های ابن ماهیار نیز باید در کنار دیگر مصادر امامی سده چهارم، جهت بازسازی الملاحم الکبیر به کار گرفته شود.

افزون بر آنچه گفته شد، کتاب القرائات نگاشته أحمد بن محمد السیاری (م. نیمه سده سوم)، شاگرد مباشر ابن جمهور، تنها اثر برجای مانده از طبقه شاگردان وی، مشتمل بر بیست و پنج حدیث بی‌واسطه از اوست که بخش‌هایی از آن مرتبط با ملاحم و مهدویت است.<sup>۲</sup> واپسین طریق دست‌یابی به روایات ابن جمهور را باید در خلال روایات پراکنده اصحاب امامیه جستجو نمود. البته این گزارش‌های پراکنده، مانند گزارش‌های علی بن حاتم قزوینی (زنده به ۳۵۰ق) و ابن المشهدی (م ۶۱۰ق)، هیچ ترجیحی ندارد که از نگاشته‌های محمد بن جمهور اخذ شده باشد، اما با این حال، با توجه به حضور وی در سلسله اسانید این روایات و ارتباط آن روایات با مباحث مهدوی و ملاحم، به این گزارش‌ها نیز توجه شده است. با عنایت به آنچه که تاکنون گفته شد، به سه طریق می‌توان به بخش‌هایی از الملاحم الکبیر راه یافت:

یکم. از طریق ابوعلی معلی بن محمد البصری مهم‌ترین شاگرد حدیثی او و راوی الملاحم الکبیر؛ دوم. از طریق فرزند وی که بسیاری از روایات محمد بن جمهور توسط او گزارش شده است؛ سوم. از طریق احمد بن محمد السیاری شاگرد مباشر او در کتاب القرائات.

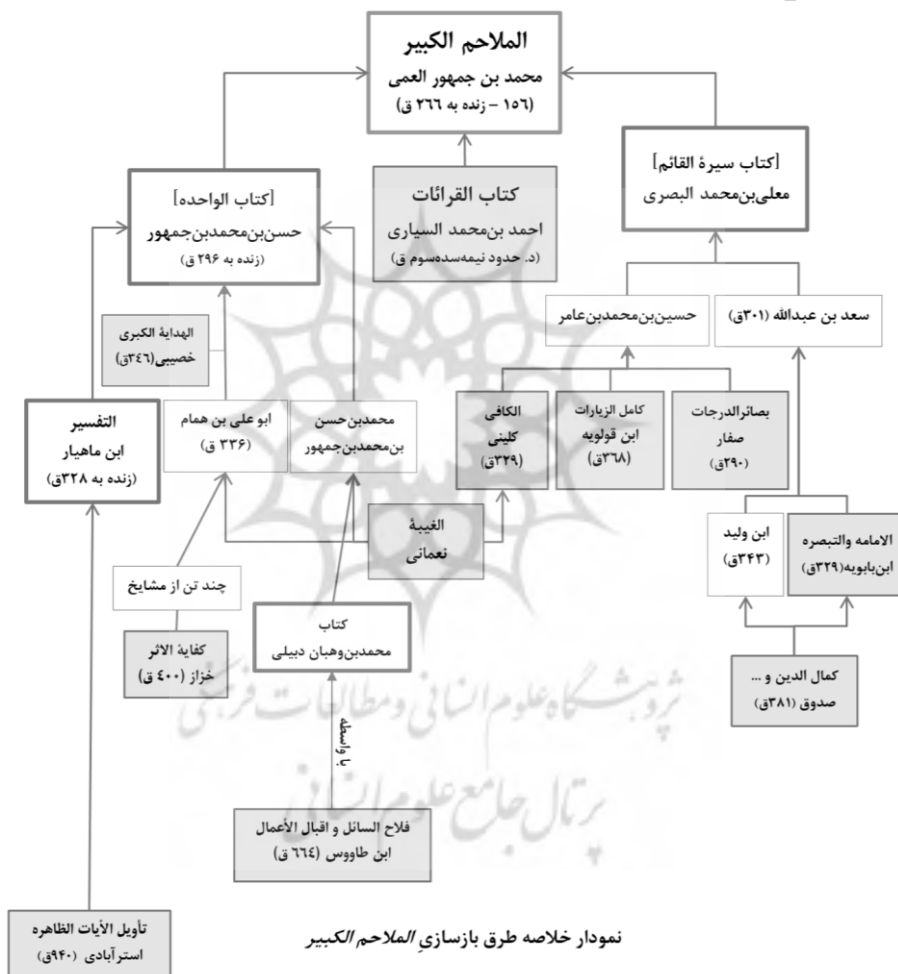
صقار و کلینی از راه نخست، ابن ماهیار و خزاز از راه دوم و نعمانی از هر دو طریق، بخش‌هایی از الملاحم الکبیر را گزارش نموده‌اند. البته روایات احمد بن الحسین بن سعید اهوازی نیز با توجه به آن که نجاشی و شیخ او را راوی آثار محمد بن جمهور دانسته‌اند،<sup>۳</sup> در خور توجه است؛ اما از آنجایی که جزیک حدیث مهدوی در الامامة و التبصره، هیچ خبر مهدوی دیگری از طریق او از ابن جمهور گزارش نشده است. بنابراین، از ذکر نام وی در نمودار

۱. رک: «تفسیر ابن ماهیار، اصالت، مصادر و محتوا»، سراسر اثر.

۲. القرائات، ص ۱۰۷، ۱۵۲.

۳. فهرست النجاشی، ص ۳۷۹؛ فهرست الطوسی، ص ۴۶۰.

ذیل صرف نظر شده است. همچنین، در این نمودار روایات پراکنده اصحاب امامیه - که نمی توان به وجود آن در نگاشته های ابن جمهور اطمینان حاصل کرد - نادیده گرفته شده اند. نمودار شماره ۱، خلاصه طرق بازسازی الملاحم الکبیر را ارائه کرده است. در این نمودار، برای آثار موجود از مستطیل های تیره بهره گرفته شده است. مستطیل های غیر تیره با کادر درشت تر، معرف آثار غیر موجودند. مستطیل های بی رنگ با کادر نازک نیز حاوی نام راویان است.



این نمودار آشکارا گویای آن است که متقدمان قم، به واسطه نگاشته های یا اجازاتِ معلی بن محمد به آثار ابن جمهور دسترسی یافته اند. صفار (م ۲۹۰ ق)، کلینی (م ۳۲۹ ق) ابن قولویه (م ۳۶۸ ق) از طریق حسین بن محمد بن عامر، و ابن بابویه و ابن الولید از طریق سعد

بن عبدالله. در آن سو، بغدادیان نیمه نخست سده چهارم، چون ابن ماهیار (ز. ۳۲۸ق)، ابوعلی اسکافی (م ۳۳۶ق) و خصیبی (م ۳۴۶ق) نیز از طریق نگاشته‌های فرزند ابن جمهور، به بخش‌هایی از آثار او راه جسته‌اند. نعمانی (م ۳۶۰ق) اما به برکت حضور کلینی در بغداد و تلمذ در محضرو، افزون بردستری به آثار ابن جمهور از طریق ابوعلی اسکافی و نوه ابن جمهور، از طریق کلینی نیز بخش‌هایی از الملاحم الکبیر را دریافت کرده است. لذا نعمانی نخستین محدثی است که به نحو توأمان امکان دسترسی به الملاحم الکبیر را از دو طریق معلی بن محمد و حسن بن محمد بن جمهور فراهم آورده است. بغدادیان پسین، چون شیخ مفید (م ۴۱۳ق) و شاگردان او نیز به واسطه حضور ابن قولویه در بغداد، بخش‌هایی از میراث حدیثی ابن جمهور را از طریق محدثان قم در اختیار داشته‌اند. جدول ذیل مصادر نقش‌آفرین در بازسازی الملاحم الکبیر را به همراه تعداد احادیث مأخوذ از آن در خود جای داده است.

جدول ۱. مصدرشناسی روایات بازسازی شده الملاحم الکبیر و تعداد احادیث مأخوذ از آن					
۲	خَزَّاز (م ۴۰۰)	۴	ابن ماهیار* (ز. ۳۲۸)	۳	سیاری (م. سده سوم)
۲	ابن طاووس (م ۶۶۴)**	۲	خصیبی (م ۳۴۶)	۲	صَفَّار (م ۲۹۰)
۴+۱*	استرآبادی (م ۹۴۰)	۶	نعمانی (م ۳۶۰)	۱۳	کلینی (م ۳۲۹)
۲	گزارش‌های پراکنده مرتبط***	۳	صدوق (م ۳۸۱)	۲	ابن بابویه (م ۳۲۹)
* با توجه به مفقود بودن کتاب ابن ماهیار، گزارش‌های او با واسطه استرآبادی در دسترس قرار دارد.					
** گزارش‌های ابن طاووس، مأخوذ از کتاب محمد بن وهبان الدبیلی است.					
*** شامل گزارش‌های علی بن حاتم قروینی در تفسیر منسوب به القمی و گزارش ابن المشهدی					

### ۳-۱. طیف‌شناسی موضوعی روایات بازسازی شده الملاحم الکبیر

از مجموع ۴۲ حدیثی که به روش پیش‌گفته امکان بازسازی یافته‌اند، هفده حدیث آن در باب امامت، نوزده حدیث در باب مهدویت و ملاحم، و پنج حدیث اختصاصاً درباره آموزه غیبت است. مطالعه روایات هفده‌گانه در مسئله امامت نشان می‌دهد که موضوعاتی چون نصب الهی امام، توالی و استمرار امامان، اهمیت شناخت امام و تأویل آیات قرآن به موضوعات مرتبط با امامت، بیش از سایر مباحث، مورد توجه بوده و با بسامد بیشتری تکرار

شده است. لذا این فرضیه که احتمالاً در الملاحم الکبیر، مباحث کلامی مورد اختلاف و بین المذاهبی، بیش از مباحث فضایل، سیره، و کرامات حضرات معصومان علیهم السلام مورد عنایت مؤلف بوده، تقویت می‌شود. نبود هیچ روایتی در باب تاریخ و سیره امامان (جزیرخی ملاحظات درباره حضرت حجت) نیز افزون بر آن که حکایت گره‌مین فرضیه است، صبغه کلامی این اثر را تأیید می‌کند.

در میان احادیث ملاحم و مرتبط با مباحث مهدوی الملاحم الکبیر نیز اوصاف حضرت حجت (نه اوصاف ظاهری، بلکه اوصاف کمال حضرت) در کنار تأویل آیات به مباحث مرتبط با مهدویت، بیشترین بسامد تکرار را دارد. پس از این دو، مباحثی چون ملاحم و علائم ظهور و نسب قائم (یعنی حسینی بودن آن حضرت) در فرایند بازسازی، بیش از سایر مباحث بروز یافته است.

نکته مهم در بسامد موضوعی روایات امامت و مهدویت آن است که در هر دو طیف یاد شده، بیشترین بسامد تکرار مربوط به تأویل باطنی آیات قرآنی است. این نکته، افزون بر آن که با مشی حدیثی و قریحه محدثان متهم به جریان به غلو همخوانی دارد، معلل به شرایط بازسازی کتاب نیز هست؛ زیرا اولاً پاره‌ای از آثار واسطه در بازسازی الملاحم الکبیر، یک منبع تفسیری هستند (مانند القرائات، تفسیر ابن ماهیار و تأویل الآیات) و ثانیاً کلینی به عنوان مهم‌ترین منبع واسطه بازسازی این کتاب، توجه ویژه‌ای به روایات تأویلی محمد بن جمهور داشته است.

در باب روایات آموزه غیبت، در گفتار بعدی بحث شده است. جدول شماره دو، طیف‌های مختلف موضوعی روایات بازسازی شده الملاحم الکبیر را به تفکیک موضوع اصلی آن (امامت، مهدویت، غیبت) ارائه کرده و بسامد آن را نشان داده است. از آنجایی که ممکن است در یک حدیث به موضوعات مختلف پرداخته شده باشد، طبیعتاً بسامد تکرار موضوعات مختلف، از مجموع تعداد احادیث بیشتر است.

جدول ۲. طیف‌شناسی موضوعی روایات بازسازی شده الملاحم الکبیر و بسامد آن

۴	نصب الهی امام	امامت [۱۷ حدیث]	
۶	اهمیت شناخت امام		
۴	اسامی تعدادی از امامان		
۱	اسامی همه امامان		
۵	توالی و استمرار امامان		
۱	گستره حجیت امام		
۳	اوصاف امام		
۲	ضرورت شناخت امام		
۷	تأویل آیات به امامت		
۱۷	مجموع احادیث امامت		
۶	اوصاف حضرت		مهدویت [۱۹ حدیث]
۴	ملاحم		
۳	علائم ظهور		
۷	تأویل آیات به حضرت مهدوی و مباحث مهدوی		
۲	باران حضرت		
۲	تصریح به نام پدر حضرت		
۱	تصریح به نام حضرت		
۱	توصیه به صبر و عدم خروج		
۱	وصف مادر حضرت		
۲	محل خروج قائم		
۳	نسب (حسینی بودن) قائم		
۱۹	مجموع احادیث مهدویت		
۵	غیبت صاحب الامر	غیبت [۵ حدیث]	
۲	تولد مخفیانه		
۱	کیفیت غیبت		
۲	سابقه غیبت (شباهت به انبیای سلف)		
۱	ائتمام به امام در زمان غیبت		
۱	صفات رستگاران در عصر غیبت		
۱	تأویل آیات به غیبت		
۱	علت غیبت		
۱	ضرورت وجود حجت و خالی نماندن زمین از حجت		
۵	مجموع احادیث باب غیبت		



۲-۳. مطالعه روایات اختصاصی باب غیبت، برآمده از نتایج بازسازی الملاحم الکبیر

پیش از تحلیل روایات غیبت الملاحم الکبیر، لازم است این روایات مورد مطالعه قرار گیرد. البته برخی از روایات امامت نیز برای تحلیل مسئله غیبت در اثر مذکور کارگرد که به دلیل محدودیت واژگان، به ذکر منبع آن روایت بسنده شده است.

۱-۲-۳. روایت اول: [ابن بابویه]

سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُعَلَّى بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ وَغَيْرِهِ [عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ]،<sup>۱</sup> عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: فِي الْقَائِمِ عليه السلام سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام. فَقُلْتُ: وَمَا سُنَّتُهُ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ؟ قَالَ: خَفَاءُ مَوْلِدِهِ، وَغَيْبَتُهُ عَنْ قَوْمِهِ. فَقُلْتُ: وَكَمْ غَابَ مُوسَى عَنْ أَهْلِهِ وَقَوْمِهِ؟ فَقَالَ: ثَمَانِي وَعِشْرِينَ سَنَةً.<sup>۲</sup>

روایت فوق را صدوق نیز به نقل از پدر در کمال الدین گزارش کرده است.<sup>۳</sup>

۲-۲-۳. روایت دوم: [النعمانی]

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ جَمِيعاً، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْوَلِيدِ الْهَمْدَانِيِّ، عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْمُورِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ الْمُنْبَرِ: إِذَا هَلَكَ الْحَاطِبُ وَزَاعٌ صَاحِبُ الْعَضْرِ وَبَقِيَتْ قُلُوبٌ تَتَقَلَّبُ فَمِنْ مُحْضَبٍ وَ مُجْدِبٍ هَلَكَ الْمُتَمَتُّونَ وَ اضْمَحَلَّ الْمُضْمَحَلُّونَ وَ بَقِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ قَلِيلٌ مَا يَكُونُونَ ثَلَاثِمِائَةٍ أَوْ يَزِيدُونَ مُجَاهِدٌ مَعَهُمْ عِصَابَةٌ جَاهَدَتْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ يَوْمَ بَدْرٍ لَمْ تُقْتَلْ وَ لَمْ تَمُتْ.<sup>۴</sup>

۳-۲-۳. روایت سوم: [الصدوق]

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ، عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ، عَنْ أَبِي حَمَّزَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتُمُّ

۱. عبارت اضافه شده از کمال الدین است.

۲. الامامة و التبصره، ص ۱۰۹.

۳. کمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۲.

۴. الغيبة، ص ۱۹۶.

بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ، وَيَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ، وَيُعَادِي أَعْدَاءَهُ ذَلِكَ مِنْ رُفَقَائِي وَذَوِي مَوَدَّتِي وَأَكْرَمِ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.<sup>۱</sup>

۳-۲-۳. روایت چهارم: [علی بن حاتم القزوینی]

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ [عَلَا]، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيٍّ الْفَرَارِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهِورٍ، عَنْ فَصَّالَةَ بِنِ ابْنِ أَبِي بَرٍّ، قَالَ: سُئِلَ الرَّضَاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾، فَقَالَ: مَاؤُكُمْ أَبْوَابُكُمْ أَيُّ الْأَيْمَةِ وَالْأَيْمَةُ أَبْوَابُ اللَّهِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ فَسَنَ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ، يَعْنِي يَعْلِمُ الْإِمَامَ.<sup>۲</sup>

۳-۲-۴. روایت پنجم: [النعمانی]

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهِورٍ جَمِيعًا، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهِورٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرٍو، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَبَّرْتُ دَرِيهَ خَيْرٍ مِنْ عَشْرٍ تَرْوِيهِ، إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيْقَةً، وَ لِكُلِّ صَوَابٍ نُورًا، ثُمَّ قَالَ: إِنَّا وَاللَّهِ لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مِنْ شِيْعَتِنَا فَتَمَّهَا حَتَّى يُلْحَنَ لَهُ فَيَعْرِفَ اللَّحْنَ، إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنِبْرَ الْكُوفَةِ: إِنَّ مِنْ وَرَائِكُمْ فِتْنًا مُظْلِمَةً غَفِيَاءَ مُنْكَسِفَةً لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا التَّوَمَةُ، قِيلَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! وَمَا التَّوَمَةُ؟ قَالَ: الَّذِي يَعْرِفُ النَّاسَ وَلَا يَعْرِفُونَهُ، وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَيَعْمَى خَلْقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَجَوْرِهِمْ وَإِسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ، وَلَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ سَاعَةً وَاحِدَةً مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا، وَلَكِنَّ الْحُجَّةَ يَعْرِفُ النَّاسَ وَلَا يَعْرِفُونَهُ كَمَا كَانَ يُوسُفُ يَعْرِفُ النَّاسَ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ، ثُمَّ تَلَا: ﴿يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾.<sup>۳</sup>

#### ۴. تحلیل روایات بازسازی شده الملاحم الکبیر در باب غیبت

اگرچه از ۴۲ روایت بازسازی شده از الملاحم الکبیر، تنها پنج حدیث آن مستقیماً به آموزه غیبت مرتبط است، اما بسیاری از مباحث مطرح شده در سایر روایات نیز ارتباط وثیقی با مبحث غیبت دارند. موضوعاتی چون توالی و استمرار امامان، ضرورت وجود حجت حق و

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶.

۲. تفسیر الفمی، ج ۲، ص ۳۷۹؛ البرهان، ج ۵، ص ۴۴۹.

۳. الغیبة، ص ۱۴۱.

خالی نماندن زمین از حجت، اگر چه مستقیماً در باب غیبت نمی‌گنجد، اما هم مشعر به غیبت‌اند و هم مثبت آن. به نظر می‌رسد می‌توان ذیل سه گفتار ذیل به طبقه‌بندی این روایات دست یازید.

#### ۱-۴. تصریح به غیبت و برخی فرعیات آن

افزون بر عبارات صریحی چون «فی غیبت»، «غیبتة عن قومه» و «زاغ صاحب العصر» که صریح در غیبت‌اند، عباراتی چون پنهان شدن علم امام در زمین ذیل تأویل آیه ﴿إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا﴾<sup>۱</sup> نیز به روشنی بر غیبت صاحب‌الامر دلالت دارد. در خلال این عبارات صریح، به برخی از فرعیات مهم آموزه غیبت، چون کیفیت غیبت آن حضرت و شباهت ایشان به حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام نیز پرداخته شده است؛ به این معنا که:

صاحب‌الامر در زمان غیبت، مردم را می‌شناسد و آنان را می‌بیند، و اگر چه آنان نیز ایشان را می‌بینند، اما او را نمی‌شناسند.

این بیان از کیفیت غیبت حضرت حجت در میراث حدیثی امامیه به دفعات گزارش شده است.<sup>۲</sup> همچنین عبارات «سیمی خلقه عنها (= عن الحجة) بظلمهم و جورهم و اسرافهم علی انفسهم» افزون بر آن که مشعر به اصل غیبت است، حکایت‌گریکی از علل (یا آثار) غیبت نیز هست. افزون بر این موارد، تعبیر «خفاء مولده» نیز بر تولد مخفیانه حضرت دلالت دارد که خود مشعر به غیبت ایشان از هنگام تولد است. در نتیجه، در خلال این پنج حدیث، افزون بر پرداخت صریح به آموزه غیبت، از «کیفیت غیبت»، «تأویل آیات مرتبط با غیبت»، «علل یا آثار غیبت»، «آغاز غیبت» و «وظایف شیعیان در عصر غیبت» نیز سخن به میان آمده است. در نتیجه، مطالعه روایات بازسازی شده از الملاحم الکبیر به روشنی نشان می‌دهد که مسئله غیبت، به هیچ وجه یک امر ناشناخته یا ناگفته در میان عالمان عصر حضور نبوده و متون حدیثی آن روزگاران از پرداخت به آموزه غیبت سرشار بوده است.

#### ۲-۴. توالی، استمرار، و تعداد امامان

نتیجه بازسازی الملاحم الکبیر نشان می‌دهد که گزارش‌های قابل‌اعتنایی در این کتاب متوجه مباحث امامت و برخی از مهم‌ترین فرعیات آن، چون توالی و استمرار امامان بوده

۱. سوره ملک، آیه ۳۰.

۲. الامامة و التبصرة، ص ۹۴ و ۱۲۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۵۱ و ۴۴۰؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۵۴؛ الغیبة للحجة، ص ۳۶۴.

است؛ به این معنا که: اولاً، امامت تا آستانه قیامت ادامه دارد، و ثانیاً، امامان متوالی (پی در پی) هستند و زمین هرگز از وجود حجت الهی خالی نخواهد شد. عبارات «أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حِجَّةِ اللَّهِ»،<sup>۱</sup> «لَوَخَلتِ الْأَرْضُ سَاعَةً وَاحِدَةً مِنْ حِجَّةِ اللَّهِ سَاخَتْ بِأَهْلِهَا»،<sup>۲</sup> «وَلَكِنَّه حَتَّى يَجْرِي فِيْمَنْ بَقِي كَمَا جَرَى فِيْمَنْ مَضَى»،<sup>۳</sup> و «كَذَلِكَ يَجْرِي الْأَيْمَةُ الْهَدَى وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ»،<sup>۴</sup> در کنار عبارات «اسْتَقَامُوا عَلَى الْأَيْمَةِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ»،<sup>۵</sup> ذیل تأویل مأثور آیه «الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا»،<sup>۶</sup> و عبارات «امام بعد امام»،<sup>۷</sup> ذیل تأویل مأثور آیه «وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»<sup>۸</sup> نمونه‌هایی از این تصریح‌ها و تأکیدها بر توالی و استمرار امامان است که در نتایج بازسازی شده الملاحم الکبیر به چشم می‌آید.

افزون بر این، باید توجه داشت که در دو روایت بازسازی شده از الملاحم الکبیر (همینک موجود در کفایة الاثر) بردوازه تن بودن امامان نیز تصریح و تأکید شده است.<sup>۹</sup> از جمع این سه نکته (توالی امامان، تعداد محدود ایشان، و استمرار ایشان تا آستانه قیامت) نتایج کلامی درخوری قابل استنتاج است.

#### ۳-۴. استدلال بر غیبت و طول عمر صاحب الامر

همان طور که پیش‌تر تأکید شد، افزون بر روایاتی که صریحاً دال بر غیبت و مشعر به آن هستند، تعدادی از روایات دیگر الملاحم الکبیر نیز اگرچه صریح در آموزه غیبت نیستند، اما مجموعاً بر زنده بودن حضرت، عمر طولانی، و غیبت ایشان دلالت دارند. از مجموع روایات بازسازی شده الملاحم الکبیر (مربوط به ابواب غیر از غیبت) می‌توان چنین استدلالی را با مقدمات ذیل ارائه نمود:

۱. امامان به طور متوالی و پی در پی (بدون تراخی) به امامت می‌رسند و تا آستانه قیامت استمرار دارند. افزون بر تصریح به این نکته در روایات بازسازی شده از الملاحم الکبیر،

۱. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۳۱، ۴۸۶ و ۴۸۷.

۲. الغیبة، ص ۱۴۱؛ اثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۴.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۱۹۶.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۲۰؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۳۰.

۵. سوره فصلت، آیه ۳۰.

۶. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۵.

۷. سوره قصص، آیه ۵۱.

۸. کفایة الاثر، ص ۸۱ و ۳۰۹.

خانواده حدیثی «انَّ الارض لا تخلو من حجة الله» و روایات مشابه با آن نیز صریحاً بر همین معنا دلالت دارد.<sup>۱</sup>

۲. تعداد امامان به دوازده تن محدود است. افزون بر تصریح به این نکته در روایات بازسازی شده الملاحم الکبیر، روایات متعددی در میراث حدیثی فریقین بر این نکته دلالت دارد.<sup>۲</sup>

۳. همینک بیش از ۱۴۳۰ سال از رحلت رسول گرامی ﷺ سپری شده است. سه مقدمه فوق، هر یک به طور جداگانه از مسلمات است. دو مقدمه نخست به طور متواتر در مصادر شیعی گزارش شده است. این گزارش‌ها در مصادر متقدم مخالفان شیعه - که اتفاقاً به عصر حضور نیز تعلق دارند - به دفعات و با بسامد قابل اعتنایی گزارش شده و همینک موجودند. مقدمه سوم نیز واضح و بی‌نیاز از توضیح است. نتیجه، آن که به حکم صریح عقل یا باید تمامی امامان عمر طولانی داشته باشند یا بخشی از ایشان و یا دست‌کم یکی از آنان باید عمر بسیار طولانی داشته باشد؛ چه این که اولاً، فاصله چهارده قرن بعد از رسول گرامی اسلام پوشش داده شود و ثانیاً، امر امامت تا آستانه قیامت استمرار یابد. بدیهی است که اگر چنین نباشد، تعداد محدود امامان، امکان پوشش دهی بیش از چهارده قرن و استمرار آن تا آستانه قیامت را نخواهد داشت. حال با توجه به این که امامان پیشین و متقدم (مستقل از مصادیق ایشان در باور مذاهب مختلف) هیچ‌یک عمر بسیار طولانی نداشته‌اند. در نتیجه، همینک امام زنده و حی و حاضری هست (به استناد انَّ الارض لا تخلو من حجة الله) که شمار سالیان عمر او بسیار طولانی است. و از آنجایی چنین شخصی، با این عمر طولانی، به طور آشکار و شناخته شده در میان امت اسلامی وجود ندارد، پس این امام حی حاضر - که سالیان متمادی از عمر ایشان می‌گذرد - به طور ناشناخته و در پس پرده غیبت به حیات خود ادامه می‌دهد.

## ۵. نتیجه

اگرچه غیبت نگاران سده چهارم و پنجم هجری چون نعمانی، صدوق و شیخ طوسی،

۱. برای آشنایی با احادیث هم‌مضمون با این روایت رک: «نقش احادیث مشهور در شکل‌گیری باور شیعه به پیوستگی امامت».  
 ۲. برای نمونه حدیث «یکون اثنی عشر خلیفة» در میراث حدیثی متقدمان عامه ثبت شده است: صحیح البخاری، ج ۶، ص ۲۶۴۰؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۳؛ سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۷۲؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۵۱۵؛ المسند لابن حنبل، ج ۵، ص ۸۷؛ الفتن، ج ۱، ص ۹۵؛ المصنف، ج ۶، ص ۳۶۳؛ الأحقاد و المشانی، ص ۹؛ المستخرج، ج ۴، ص ۳۷۱؛ المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۵۴؛ المعجم الأوسط، ج ۶، ص ۲۶۸؛ الشریعة، ص ۱۷۰۶؛ الفوائد، ص ۱۲۸؛ الإبانة الکبری، ج ۹، ص ۵۹۸؛ حلیة الأولیاء، ج ۴، ص ۳۳۳؛ نیز رک: «حدیث بشارت رسول خدا به دوازده امام در متون اهل سنت».

کتاب الملاحم الکبیر، نگاشته محمد بن جمهور العمی را به طور مستقیم در اختیار نداشته‌اند، اما افزون بر گزارش شیخ، پژوهش حاضر نیز نشان داد که این اثر حدیثی سترگ، از طریق معلی بن محمد البصری، مهم‌ترین شاگرد حدیثی ابن جمهور، به مدرسه حدیثی قم راه یافته و به واسطه دو تن از مشهورترین مشایخ سال‌های پایانی سده سوم آن دیار، یعنی سعد بن عبدالله و حسین بن محمد بن عامر، در دسترس مهم‌ترین محدثان آن بوم، چون صفار، کلینی، علی بن بابویه، ابن الولید، و ابن قولویه قرار گرفته است. از سوی دیگر، حجم قابل توجهی از احادیث مندرج در الملاحم الکبیر، به واسطه کتاب مورد اعتنای فرزند مؤلف به نام الواحد، به حوزه حدیثی بغداد راه یافت و از همین طریق، افزون بر نوه مؤلف، ابوعلی محمد بن همام سهیل و ابن ماهیار، به بخش‌هایی از الملاحم الکبیر دست یافتند. نعمانی اما به برکت شاگردی توأمان محضر کلینی و ابوعلی، نخستین محدثی است که با بهره‌مندی از میراث هر دو بوم حدیثی یاد شده، وضعیت دسترسی خود به نگاشته ابن جمهور را بهبود بخشید و بخش‌های قابل اعتنایی از آن را در الغیبه اخراج نمود. از ۴۲ حدیث بازسازی شده از الملاحم الکبیر، پنج حدیث آن صریحاً در باب غیبت است. تصریح به غیبت و پرداخت به بسیاری از جزئیات و فرعیات آن در نگاشته ابن جمهور، افزون بر اصالت و سابقه این آموزه در میان امامیان، از مورد اهتمام بودن آن نیز نزد اسلاف امامیه حکایت دارد. همچنین روایات بازسازی شده از الملاحم الکبیر، مشتمل بر روایات مهمی در باب امامت و اوصاف ایشان است که مجموعاً بر آموزه غیبت دلالت دارد.

### کتابنامه

- الإبانة الكبرى، ابن بطة، تحقیق: حمد التویجری، الرياض: دارالرایة، ۱۴۲۹ق.  
 اثبات الوصیة، مسعودی، قم: انصاریان، چاپ سوم، ۱۳۸۴ش.  
 إثبات الهداة، الحرّ العاملی، محمّد. بیروت: اعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.  
 الأحاد و المثانی، ابن ابی عاصم، تحقیق: باسم فیصل، الرياض: دارالرایة، ۱۴۱۱ق.  
 الإختصاص، محمد بن محمد المفید، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: چاپ اول، ۱۴۱۳ق.  
 إعلام الوری، الفضل بن الحسن الطبرسی، تهران: الإسلامیة، ۱۳۹۰ق.  
 إقبال الأعمال، علی ابن طاووس، تهران: الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.  
 الأمالی، محمد بن الحسن الطوسی، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.  
 الأمالی، محمد بن محمد المفید، قم: کنگره، ۱۴۱۳ق.

- الإمامة و التبصرة، علی ابن بابویه، قم: الإمام المهدی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- ایضاح المکنون، اسماعیل پاشا بغدادی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
- الإيقاظ، محمد الحر عاملی، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: نوید، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
- أشناهی با منابع رجالی شیعه، رحمان ستایش، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۲ش.
- بحار الأنوار، محمد باقر المجلسی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- البرهان، هاشم بن سلیمان البحرانی، قم: البعثة، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
- بشارة المصطفی، عماد الدین محمد الطبری، نجف: الحیدریة، ۱۳۸۳ق.
- بصائر الدرجات، محمد الصفار، تصحیح: محسن کوچه باغی، قم: مكتبة المرعشی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- تفسیر القمی بحث حول النسخة المتداولة، احمد سلمان، بیروت: دارالولاء، چاپ اول، ۱۴۳۹ق.
- التفسیر، علی بن ابراهیم القمی، تحقیق: موسوی جزایری، قم: دارالکتب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
- تقریب المعارف، ابوالصلاح الحلبي، قم: الهادی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- تهذیب الأحكام، محمد بن الحسن الطوسی، تهران: الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- الثاقب فی المناقب، محمد ابن حمزه طوسی، تحقیق: نبیل رضا علوان، قم: انصاریان، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.
- الجامع الصحیح (صحیح البخاری)، محمد بن اسماعیل البخاری، تحقیق: مصطفی ديب البغا، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق.
- الجامع الصحیح (صحیح مسلم)، مسلم بن حجاج النیسابوری، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دار احياء التراث العربی.
- حکایة ابی القاسم البغدادی، ابو مطهر الازدی (منسوب به)، هایدلبرگ: کرل ونتر، ۱۹۰۲م.
- حلیة الاولیاء، ابونعیم احمد بن عبدالله، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ چهارم، ۱۴۰۵ق.
- الخرائج و الجرائح، سعید بن هبة الله الراوندی، قم: مؤسسه امام مهدی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- الديارات، علی بن محمد الشاهشتی، تحقیق: کورکیس عواد، دمشق: امدی، ۲۰۰۸ م.
- الرجال، أحمد البرقي، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۲ش.

الرجال، محمد بن الحسن الطوسي، تحقيق: جواد قيومي، قم: النشر الاسلامي، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش.

السنن، ابوداود سليمان السجستاني، بيروت: دارالكتاب العربي.

السنن، محمد الترمذی، تحقيق: محمد شاکر، بيروت: دار احیاء التراث العربی.

الشریعة، ابوبکر الأجرى، تحقيق: عبدالله الدميجى، الرياض: دارالوطن، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.  
طب الإمام الرضا (الرسالة الذهبية)، تحقيق: محمد مهدى نجف، قم: دارالخيام، چاپ اول، ۱۴۰۲ق.

طبقات اعلام الشيعة، آقابزرگ تهراني، بيروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۳۰ق.  
طبقات راویان احادیث مهدویت، عبدالکریم عبدالهلی، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۹۰ش.

طبقات مفسرين شيعه، عبد الرحيم عقیقى بخشايشی، قم: نوید اسلام، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ش.

علل الشرائع، محمد بن علی ابن بابویه، قم: داوری، ۱۳۸۵ش.

الغیبة للحجة، محمد بن الحسن الطوسی، قم: دارالمعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.

الغیبة، محمد بن ابراهیم النعمانی، تحقيق: علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، ۱۳۹۷ق.

الفتن، نعيم ابن حماد، تحقيق: سهيل زكار، بيروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، علی بن موسى ابن طاووس، قم: دارالذخائر، چاپ اول، ۱۳۶۸ق.

الفرج بعد الشدة، المحسن بن علي التنوخي، تحقيق: عبود الشالجي، بيروت: دارصادر، ۱۹۷۸م.

فرق الشيعة، حسن بن موسى النوبختی، نجف: الحيدريه، ۱۳۵۵ق.

الفرق بين الفرق و بيان الفرقة الناجية، التميمي، عبد القاهر طاهر البغدادي، بيروت: دارآفاق الجديدة، چاپ دوم، ۱۹۷۷م.

الفصل فی الملل و الأهواء و النحل، علی بن احمد بن حزم الاندلسی، قاهرة: مكتبة الخانجي.



- فلاح السائل و نجاح المسائل، على بن موسى ابن طاووس، قم: بوستان كتاب، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- الفوائد، محمد ابن أخى، تحقيق: نبيل جرار، الرياض: داراضواء السف، ۱۴۲۰ق.
- الفهرست، ابن النديم، بيروت: دارالمعرفة، چاپ اول.
- الفهرست، أحمد بن على التجاشى، قم: الجامعة المدرسين، ۱۳۶۵ش.
- الفهرست، محمد بن الحسن الطوسى، قم: مكتبة المحقق الطباطبايى، ۱۴۲۰ق.
- الكافى، محمّد بن يعقوب الكلينى، تهران: الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- كامل الزيارات، جعفر بن محمد ابن قولويه، تحقيق: عبدالحسين امينى، نجف: المرتضوية، ۱۳۵۶ش.
- كتاب الضعفاء (الرجال)، أحمد ابن الغضائرى، تحقيق: محمّد رضا حسيني، قم: دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۶۴ش.
- كتاب القرائات، احمد بن محمد السيارى، تحقيق: ايتان كلبرگ، محمد على اميرمعزى، ليدن و بوستن: برييل، ۲۰۰۹م.
- كتاب رجعت، محمد باقر مجلسى، تحقيق: سيد حسن موسوى، قم: دليل ما، چاپ پنجم، ۱۳۹۰ش.
- كشف الغمة، على بن عيسى الاربلى، تحقيق: سيدهاشم رسولى محلاتى، تبريز: بنى هاشمى، چاپ اول، ۱۳۸۱ق.
- كفاية الأثر، على الخزّاز، تحقيق: عبداللطيف كوه كمرى، بيدار، قم: ۱۴۰۱ق.
- كمال الدين و تمام النعمة، محمد ابن بابويه، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران: الإسلاميه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
- المزار الكبير، محمّد بن جعفر ابن المشهدى، تحقيق: جواد قيومى اصفهانى، قم: التّشّير الإسلامى، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- المزار، محمد بن محمد المفيد، تحقيق: محمد باقر ابطحى، قم: چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- المستخرج، يعقوب بن اسحاق ابوعوانه، بيروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۹ق.
- المسند، احمد ابن حنبل، القاهرة: مؤسسة قرطبة.

مشارك أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين، رجب بن محمد البرسي، تحقيق: علي عاشور، بيروت: أعلمى، چاپ اول، ۴۲۲ق.

المصنف، ابوبكر ابن ابى شيبة، تحقيق: كمال يوسف الحوت، الرياض: الرشد، ۴۰۹ق.  
المعجم الاوسط، سليمان بن احمد الطبراني، تحقيق: طارق الحسيني، القاهرة: دارالحرمين، ۴۱۵ق.

معجم البلدان، ياقوت بن عبدالله الحموي، بيروت: دارالفكر.  
المعجم الكبير، سليمان بن احمد الطبراني، تحقيق: عبدالمجيد حمدي، القاهرة: مكتبة العلوم والحكم، چاپ دوم، ۴۰۴ق.

مقالات الاسلاميين و اختلاف المصلين، ابوالحسن علي الاشعري، تحقيق: هلموت ريتز، بيروت: داراحياء التراث العربى.

المقالات و الفرق، سعد بن عبدالله الاشعري، ترجمه: محمد جواد مشكور، تهران: عطايى، ۳۷۱ش.

من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي ابن بابويه، تصحيح: علي اكبر غفارى، قم: دفتر انتشارات اسلامى، چاپ دوم، ۴۱۳ق.

مناقب آل أبى طالب، محمد بن علي ابن شهر آشوب، قم: علامه، چاپ اول، ۱۳۷۹ق.  
نثر الدر في المحاضرات، منصور بن الحسين الرازي، تحقيق: خالد عبد الغني محفوظ، بيروت: دار الكتب العلميه، ط ۱، ۲۰۰۴م.

نشوار المحاضرة وأخبار المذاكرة، المحسن بن علي التنوخي، بيروت: ۱۳۹۱ق.

الهداية الكبرى، حسين بن حمدان الخصيبي، بيروت: البلاغ، ۴۱۹ق.

هدية العارفين، اسماعيل پاشا بغدادى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، چاپ اول، ۱۹۵۱م.  
«تفسير ابن ماهيار، اصالت، مصادر و محتوا»، علي راد، فاطمه غلامشاهيان، دو فصلنامه علوم قرآن و حديث دانشگاه فردوسى، دوره ۴۹، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶ش.

«حديث بشارت رسول خدا به دوازده امام در متون اهل سنت»، علي كوراني، فصلنامه امامت پژوهى، ش ۱۲، ۱۳۹۲ش.

«در حاشيه دو مقاله»، سيد محمد جواد شبيرى زنجاني، آينه پژوهش، ش ۴۸، ۱۳۷۶ش.

“oom Immnyya to Ihlā’-hhrryya,” Kohlberg, Etan. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London* 39, no. 3 (1976): 521–534.